

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال پنجم، شماره دهم، بهار ۱۳۹۸

رساله حقوق امام سجاد(علیه السلام)

سید محمد حسینی رزمگاهی *

چکیده

نقش فرهنگی امام سجاد(علیه السلام) برای زنده نگه داشتن اسلام و ادامه راه تشکیل تمدن اسلامی قابل ستایش است. امام سجاد(علیه السلام) با بهره‌گیری از آموزه‌های الهی، در قالب دعا و مناجات، سعی در اصلاح عقاید مردمی و در نتیجه اصلاح جامعه داشتند. از جمله آموزه‌های امام سجاد(علیه السلام) در مجموعه‌ای به نام رساله حقوق جمع آوری شده است. امام سجاد(علیه السلام) در این رساله سعی در تزریق شالوده‌های اصلی فرهنگ اسلامی و فرهنگ‌سازی حقوق اقصاء مختلف جامعه داشته‌اند. از آنجایی که تمدن تحت تأثیر فرهنگ قرار دارد، آموزه‌های امام سجاد(علیه السلام) می‌تواند نقش بسزایی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشته باشد. لذا اگر فرهنگی مناسب و صحیح در جامعه رواج پیدا کند، قطعاً تمدنی گسترده و بی‌عیب و نقص شکل خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: امام؛ سجاد؛ تمدن؛ اسلامی؛ رساله؛ حقوق

* فارغ‌التحصیل سطح ۲ رشته تاریخ اسلام، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا(علیه السلام)

مقدمه

تاریخ اسلام که با دعوت پیامبر آغاز شد، نقطه آغازین تکون فرهنگ اسلامی است. پیامبر اسلام برای جایگزینی فرهنگ جدید اسلامی به جای فرهنگ عرب جاهلی با مشکلات زیادی روبرو بود. از طرفی بروز مشکلات داخلی نیز نگذاشت تا پایه های این فرهنگ، آنچنان که شایسته بود، به صورت فراگیر مستحکم شده و به سرزمینهای دیگر منتقل گردد. اما به لحاظ دید و فرهنگ نوینی که به جامعه انسانی عرضه می کرد، این دین توانست در طول زمان به نیازهای جوامع بشری پاسخ دهد و منبعی جامع برای احتیاجات مادی و معنوی آنان باشد.

بعد از پیامبر(صلی الله علیه و آله) ائمه (علیهم السلام) به عنوان پیشگامان حرکت اسلامی، به دلیل درک عمیق و دقیق از ارکان فرهنگ اسلامی، علاوه بر تقویت پایه های فرهنگ اسلامی، آن را از تحریف و انحراف مصون داشته و با تعلیم علوم نزد خود و تربیت شاگردانی ممتاز در علوم و فنون زمان بر غنای آن افزودند.

در رأس این حرکت امامان معصوم(علیه السلام)، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) قرار داشت؛ فرزندان امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز به پیروی از ایشان تداوم بخش این نهضت عظیم بودند.

در این میان نقش فرهنگی امام سجاد(علیه السلام) در زنده نگه داشتن اسلام و پایه گذاری و ایجاد تمدن اسلامی، نقش مهمی بود و لذا می توان گفت که بعد از پیامبر(صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین(علیه السلام)، امام سجاد(علیه السلام) سومین احیاگر اندیشه های اسلامی است.

رساله حقوق امام سجاد(علیه السلام) به عنوان یکی از مهمترین منشورات اخلاقی می باشد که علاوه بر فرهنگسازی، استفاده های تمدنی زیادی از آن می توان داشت.



ایشان با تشکیل مجالس درس، سخنرانی در مسجد مدینه، بیان تعالیم اسلامی در قالب دعا و رساله حقوق، زمینه‌های اعتلای تمدن اسلامی را با آموزه‌های خویش فراهم کردند.

پیشینه

تاکنون پژوهش‌های زیادی در خصوص نقش امام سجاد(علیه السلام) در وقایع بعد از عاشورا به نگارش درآمده‌است. اما در این خصوص که ایشان چه زمینه‌هایی را برای ایجاد، یا به تعبیری گسترش تمدن اسلامی مهیا کردند، اثری یافت نشد. لذا قصد آن است که در این نوشتار، با بررسی زندگی آن بزرگوار، به نقش امام سجاد(علیه السلام) در شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی پرداخته شود.

مفهوم شناسی

حوزه پژوهشی تاریخ و تمدن اسلامی همچون سایر علوم دیگر دارای واژگان و مصطلحات مربوط به خود است. نزدیکی معانی و اختلاف سلیق در تعریف آنها موجب می‌شود که بیان دقیق و واضح آن واژگان دارای ضرورت بیشتری گردد. اگر معانی و مفاهیم دقیق این واژگان به خوبی روشن نگردد و هر کسی بنا بر برداشت شخصی خود مشغول به انجام تحقیق و پژوهش گردد، قطعاً فرایند تحقیق دچار اختلال می‌شود. از این رو مناسب است ابتدا به بیان برخی از واژگان پرداخته شود.

فرهنگ و تمدن

تعریف لغوی

از جمله واژگانی که پیچیدگی زیادی در بیان معنای آن وجود دارد، واژه فرهنگ است؛ نویسندگان در یک جمع‌بندی به این نتیجه رسیده‌اند که فرهنگ عبارت است از هر آنچه که موجب اعتلا بخشیدن و تعالی دادن انسان می‌باشد.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر ر ک: جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۵.

تمدن از نظر لغوی به معنای شهرنشینی و اقامت در شهر است.^۱ لکن این تعریف، خیلی دقیق نیست چراکه ممکن است افرادی در شهرها زندگی کنند ولی هیچ نصیبی از مصادیق تمدنی نبرده باشند. لذا بهتر است به جای معنای شهرنشینی، از معنای شهرآیینی استفاده کرد (شهر آیینی یعنی التزام و پایبندی به مقررات، سنتها، آداب و مقتضیات زندگی شهری).

تعریف اصطلاحی

همان گونه که اشاره شد، واژه فرهنگ، واژه‌ای نیست که دارای یک معنای مورد اتفاق باشد بلکه هر کسی با نگرشی خاص به تعریف آن پرداخته؛ برخی فرهنگ را مجموعه‌ای از سنتها و باورها و اخلاقیات فردی یا خانوادگی می‌دانند^۲ و برخی دیگر، آن را وجه معنوی تمدن دانسته‌اند.^۳

تمدن نیز در اصطلاح، دارای یک تعریف مشخص و مورد اتفاق نمی‌باشد. یک قول این است که تمدن، حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی و خروج از بادیه‌نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی است.^۴

ویل دورانت تمدن را نظامی اجتماعی می‌داند که طی آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر شده، جریان می‌یابد و ظهور آن منوط به برقراری امنیت و پایان یافتن هرج و مرج است. به نظر او عوامل مختلفی در حوزه‌های جغرافیایی، نژادی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، عقلی و روحی تمدن سازند. او برای تمدن چهارم رکن اساسی قائل است: ۱- پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی. ۲- سازمان سیاسی. ۳- سنن اخلاقی. ۴- کوشش در راه معرفت و بسط هنر.^۵

۱. معین، فرهنگ معین، ذیل واژه تمدن.

۲. ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۳۳.

۳. شریعتی، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۷.

۴. ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام، ج ۱، ص ۳۲.

۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد ارام، ص ۱۹.



آنرا نولد توین بی، تمدن را بر حسب معیارهای معنوی تعریف می‌کند و قائل است تمدن عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشریت بتواند با هم‌نوایی در کنار یکدیگر و به منزله اعضای از یک خانواده کامل و جامع در درون آن زندگی کنند^۱.

بنابراین هیچ تعریفی خالی از اشکال نیست چراکه اگر یک تعریف، خالی از هرگونه اشکال بود، قطعاً دیگران آن را می‌پذیرفتند. آنچه به نظر می‌رسد این است که گفته شود فرهنگ، مجموعه‌ای است از جنبه‌های معنوی زندگی بشری که شامل ارزش‌ها، عقاید، آداب و رسوم می‌شود و زمانی که این ارزش‌ها به مرحله عمل در آید و شکل مادی به خود بگیرد به آن تمدن گفته می‌شود.



اوضاع فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام سجاد(علیه السلام)

در دوران امامت امام سجاد(علیه السلام) شاهد وضعیت فرهنگی و اجتماعی مناسب و مطلوب برای یک جامعه اسلامی نیستیم. در این زمان عده‌ای از اشراف درآمد فراوانی از خزانه دولت نصیبشان شد و همچنین از بخشش‌های خلفا بهره زیادی بردند. ثروت زیاد موجب تشکیل زندگی‌های تجملاتی و دوری از معنویت و روی آوردن به لهو و لعب گردید. ساز و آواز و خرید و فروش کنیزکان آوازخوان و رقاصه وسیله خوش‌گذرانی‌شان گردید. این امر به حدی گسترش یافت که دو شهر مکه و مدینه نیز از این آلودگی‌ها محفوظ نماندند^۲ تا جایی که امام حسین (علیه السلام) سخنانی در مورد دل‌بستگی مردم به دنیا می‌فرمودند.^۳

مسعودی نیز در مروج‌الذهب گزارشی از فساد و آلودگی دربار یزید آورده‌است.^۴

۱. توین بی، بررسی تاریخ تمدن، خلاصه دوره ۱۲ جلدی، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، امیرکبیر، ص ۴۸.

۲. برای مطالعه بیشتر ر. ک: شوقی ضیف، الشعر و الغناء فی المدینه و مکه لعصر بنی امیه، ص ۵۰.

۳. «الناس عبید الدنیا...» بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳. تحف العقول، ص ۲۴۵. مقتل جامع سیدالشهدا(علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۳۸ و ۵۹۷.

۴. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۶۷.

از جمله خلفایی که در زمان امام سجاد (علیه السلام) بر مسند حکومت تکیه زده بود، عبدالملک مروان بود. او پس از مرگ پدرش مروان، هنگامی که خلافت به او رسید، سرگرم خواندن قرآن بود، اما با شنیدن این خبر قرآن را بست و گفت: اینک بین من و تو جدایی افتاد! و دیگر با تو کاری ندارم^۱ او که روزی از لشکرکشی یزید به مکه (جهت سرکوبی عبدالله بن زبیر) به خدا پناه می برد و ابراز نفرت می کرد، پس از رسیدن به حکومت، نه تنها این کار را ادامه داد بلکه شخص سفاکی مثل حجاج را مأمور این کار کرد و او مسجدالحرام را با منجنیق سنگباران کرد^۲.

طبیعتاً در چنین شرایطی تصمیم گیری برای شروع یک حرکت انقلابی بسیار دشوار است، لکن باید دید که امام (علیه السلام) در آن شرایط خفقان، از چه ابزاری استفاده کردند تا جامعه اسلامی را از دست کسانی که صلاحیت رهبری جامعه را نداشتند نجات دهند.

حرکت فرهنگی امام سجاد (علیه السلام)

یکی از روش های حضرت (علیه السلام) برای زنده نگه داشتن فرهنگ اسلامی در جهت تشکیل یک تمدن بزرگ اسلامی، روش تبیین معارف الهی در قالب دعا و مناجات بود که این دعاها در مجموعه ای که به صحیفه سجادیه معروف است، جمع آوری شده است. از دیگر یادگارهای با ارزش امام (علیه السلام) که می تواند نقش اساسی در اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی داشته باشد رساله حقوق ایشان است. حضرت (علیه السلام) در این رساله شریف، حقوقی را مطرح کرده است که با رعایت آنها، قطعاً سعادت دنیوی و اخروی انسان تضمین می شود. این رساله را حضرت در عصری نوشتند که از دیدگاه حکومت، این حقوق به بوته فراموشی سپرده شده بود و در واقع می توان گفت، این رساله، کاملترین حقوقی است که از امامان (علیهم السلام) به دست ما رسیده؛ از جمله منابعی

۱. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۱۷.

۲. ممتحن، حسینعلی. تاریخ سیاسی اسلام در عصر امویان. ص ۱۴۷.



که نام این رساله در آن آمده می‌توان به کتب: تحف‌العقول^۱ (ابن شعبه حرانی)، خصال^۲ و من لایحضره‌الفقیه^۳ (شیخ صدوق)، اشاره کرد. رساله حقوق متشکل از ۵۱ حق است که می‌توان در یک دسته‌بندی آنها را به ۳ بخش، حقوق الهی، حقوق اجتماعی و حقوق شخصی تقسیم کرد که در ذیل به صورت اختصار اشاراتی به آنها خواهد شد.

فرهنگ‌سازی امام سجاد(علیه السلام) در رساله حقوق

فرهنگ‌سازی ارتباط با پروردگار

منشأ حقوق، در واقع همان روابط اجتماعی است که از زندگی دسته جمعی سرچشمه می‌گیرد؛ مثل حقوق مردم و دولت، پدر و فرزند، زن و شوهر و... البته سرچشمه اصلی این حقوق ایمان به خدا است و اگر کسی این حق را رعایت نکند، حقوق دیگران در نزد او مفهومی نخواهد داشت. پس می‌توان گفت سایر حقوق نیز به حق الهی باز می‌گردد. پیشوای چهارم شیعیان در رساله حقوق در مورد حق خداوند می‌فرمایند:

«و اما حق بزرگتر آن است که او را بپرستی و چیزی را شریک او قرار ندهی و اگر از روی اخلاص چنین کنی، خدا بر خود مقرر کرده کار دنیا و آخرت تو را به عهده گیرد و آنچه از آن بخواهی برایت نگه دارد.»

حضرت (علیه السلام) برای تشکیل ساختار فرهنگ اسلامی، ابتدا از حق خدای متعال نسبت به بندگانش یاد می‌کند؛ چراکه اولاً: انسان قبل از هر چیز با خداوند متعال در ارتباط است، زیرا او «آفریدگار» و ما «آفریده» هستیم و ثانیاً: همان‌گونه که ذکر شد، حقوق دیگر نیز به حق الهی باز می‌گردد. پس حقوق خداوند در رأس همه حقوق قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالب ذکر شده، روشن می‌شود که چرا حق خداوند در رأس همه حقوق قرار می‌گیرد. طبیعتاً اگر مردم به حق خداوند پایبند باشند و فرهنگ ادای حقوق الهی در جامعه رواج پیدا کند، زندگی اجتماعی و احترام به حقوق دیگران نیز نمود پیدا می‌کند.

۱. تحف‌العقول، ص ۲۵۵.

۲. الخصال، ج ۲، ص: ۵۶۴.

۳. من لایحضره‌الفقیه، ج ۲، ص: ۶۱۸.

فرهنگ‌سازی در بعد احوال شخصی

انسان بعد از خداوند متعال، قبل از هر چیز با اعضا و جوارح و نفس خود در ارتباط است. پس لازم است که حقوق آنها هم قبل از حقوق سایر چیزها مطرح شود. امام سجاد (علیه السلام) بعد از بیان بزرگترین حق (حق خداوند) حقوق شخصی افراد از جمله: حق زبان، گوش، چشم، پا، دست، عورت و... را مطرح می‌کند. پس از هر جهت به انسان نگاه کنیم، مسئولش خواهیم دید.

فرهنگ‌سازی در گفتار

شاید بتوان گفت در بین همه اعضای انسان، زبان نقش مهمتری داشته باشد. امام سجاد (علیه السلام) در بیان حقوق زبان می‌فرماید:

«حق زبان آن است که آن را از زشت‌گویی بازداری، به گفتار نیک و ادب عادت دهی، از گشودن زبان جز به هنگام نیاز و تحصیل منفعت دین و دنیا خودداری کنی، از پرگویی و بیهوده‌گویی که جز زیان در بر ندارد، دوری کنی و بدانی زبان، گواه عقل و اندیشه توست و زیبایی و آراستگی به زیور عقل، نمودش به خودش زبانی تو».

زبان به عنوان یک عضو بدن انسانی در مقام بیان آنچه در درون آدمی می‌گذرد یکی از مهمترین ابزارهاست. زبان آینه گویای باطن و شخصیت و شاکله وجودی هر کسی است. در حقیقت گویش و گفتار انسان است که حقیقت وجودی و شخصیت هر فردی را آشکار می‌کند و به همین علت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، زبان را عامل شکل‌دهنده شخصیت انسان معرفی می‌کند.^۱

بنابراین مدیریت زبان مهمترین وظیفه هر انسانی است چراکه با استفاده از گفتار است که جمال و زیبایی باطنی انسان به نمایش گذاشته می‌شود، چنانکه زشتی شخصیت و باطن ناپاک انسانی هر کسی از طریق زبان هویدا می‌شود.

با توجه به توضیحات ذکر شده، تا حدودی نقش زبان در شکل‌گیری شخصیت انسان روشن شد؛ هر مقدار شخصیت انسان با اصول و فرهنگ اسلامی مطابقت داشته باشد، قطعاً اثر بسزایی در محیط خانواده او خواهد داشت و هرچه شاکله یک خانواده، با فرهنگ

۱. کافی (ط-الاسلامیه) ج ۸، ص ۲۰.





اسلامی و اصول اخلاقی مرتبط باشد، نتیجه‌اش در جامعه نمایان خواهد شد. و چنین جامعه‌ای قطعاً همان جامعه‌ای خواهد بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) سنگ بنای آن را نهادند.

فرهنگ‌سازی شنیداری

امام سجاد (علیه السلام) در مورد حق گوش می‌فرماید:

«حق گوش، پاک داشتن اوست از اینکه راه دلت باشد مگر برای خبر خوبی که در دلت خبر پدید آورد یا خلق کریمی نصیب تو کند، زیرا گوش دروازه دل است و معانی خوب یا بد، خیر یا شر را به او می‌رساند و قوه ای جز از ناحیه خداوند نیست»^۱.

نیروی شنوایی که گوش ابزار آن است یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند است که در زندگی انسان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و تأثیر آن در تعالی و ترقی و تکامل انسان برای کسی پوشیده نیست. گوش، مهمترین ابزار دریافت کننده معلومات و اطلاعات انسان است؛ افکار و عقاید و فرهنگ، بیشتر از راه گوش دریافت می‌شود. امام زین العابدین (علیه السلام) در بیان حق گوش می‌فرماید: گوش، دروازه دل است؛ این سخن حضرت (علیه السلام) با یک تشبیه روشن‌تر می‌شود. می‌دانیم که هر کشوری از جانب دروازه و راه‌های ورودی خود، اثرپذیر است و اخلاق و رسوم و فرهنگ آن کشور ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با راه‌های ورودی آن دارد، بدین معنا که اگر دروازه‌های یک کشور به درستی کنترل شود و فقط به روی افراد سالم باز شود، آن هم با آداب و رسوم و فرهنگ انسان و اجناس مفید و ضروری، می‌تواند با حفظ فرهنگ اصیل خود، به سوی رشد اقتصادی و فرهنگی حرکت کند. ولی اگر این دروازه کنترل نداشته‌باشد، اخلاقیات و افکار گوناگون و چه بسا ضد انسانی وارد کشور می‌شوند و به تدریج به طرف فساد اخلاقی و فرهنگی سوق می‌دهند. آری گوش، دروازه ورودی کشور دل است و همان‌گونه که یک کشور تحت تأثیر افکار و فرهنگ‌های مختلف است، دل نیز تحت تأثیر افکار و فرهنگ‌های وارداتی قرار می‌گیرد.^۲

۱. رساله حقوق، حق گوش.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر، ک: صاحبان حق در رساله حقوق، حمید محمدی راد.

فرهنگ‌سازی در بعد مدنی و اجتماعی

امام علی بن‌الحسین (علیه السلام) در بخش‌های متعددی از رساله حقوق، به حقوقی غیر از حق خداوند و حق شخصی یعنی حقوق اجتماعی اشاره می‌کنند.

حقوق اجتماعی، مجموعه حق‌ها و حمایت‌هایی است که از طریق آن، آسایش، رفاه و بهزیستی به حداکثر و عدم رفاه به حداقل می‌رسد. می‌توان گفت هدف امام (علیه السلام) از بیان این حقوق، از بین بردن نابرابری‌های غیر عادلانه است. حکام و خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس برای رفاه و آسایش خود و همچنین به جهت پیشبرد اهداف شومشان، ظلم و ستم زیادی بر مستضعفان جامعه روا می‌داشتند. از مهمترین حقوقی که حضرت (علیه السلام) به آن اشاره می‌کنند، حقوق پدر و مادر، همسر، همسایه، استاد و شاگرد، حق حاکم و سایر مردم است. مسلماً اهتمام به حقوق اجتماعی تأثیرات شگرفی در شکل‌گیری فرهنگ و تمدنی نوین خواهد داشت. بسیاری از نزاع‌ها و اختلافات خانوادگی و اجتماعی و همچنین بسیاری از بی‌بند و باری‌ها به دلیل عدم رعایت حقوق اجتماعی است. اگر روابط اجتماعی، روابطی صحیح و سالم نباشد، قطعاً فضایی آکنده از بغض و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد.

فرهنگ‌سازی اجتماعی با بیان حق والدین

یکی از مهمترین حقوقی که در رساله حقوق به آن اشاره شده، حق والدین است؛ این حق از آنجا مهم است که خداوند در مورد احترام به والدین می‌فرماید: «به آنها [حتی] اف مگو»^۱. در حالی که در مورد هیچ‌یک از مخلوقات خود این کلام را بکار نبرده است. امام سجاد (علیه السلام) نسبت به حقوق پدر و مادر می‌فرماید:

«حق مادرت این است که بدانی او تو را در جایی نگه داشته که کسی نگه نمی‌دارد و از میوه دلش به تو داده که کسی به کسی نمی‌دهد... شاداب و خرم است که تو را سیر نماید و خود گرسنه بماند، تو را بپوشاند و خود برهنه باشد، تو را سیراب کند و خود تشنه بماند، و... اما حق پدرت آن است که بدانی که او اصل تو است و تو شاخه و فرع او، اگر نمی‌بود، تو نیز نمی‌بودی و...».



اسلام اهمیت زیادی در مورد احترام به والدین قائل شده است. از آنجایی که پدر و مادر، اصل و جوهره وجودی انسان‌ها هستند و ما انسان‌ها در حکم شاخه و برگ‌های آنان هستیم، لذا اهمیت ویژه‌ای نسبت به سایر افراد خانواده و جامعه دارند. در دورانی که یک کودک، از هر کاری ناتوان است و نمی‌تواند خود را از سرما و گرما حفظ کند، و حتی قدرت پراندن یک مگس را از روی خود ندارد، این پدر و مادر هستند که با عشق و علاقه و بی‌منت در خدمت فرزندشان هستند و از جان و دل برای آسایش او تلاش می‌کنند. از این روست که بر هر انسانی لازم است که ارزش والدینش را بداند و زحمات آنان را فراموش نکند و همواره در مسیر خدمت به آنان قدم بردارد.

پیامبر اکرم در جواب شخصی که پرسید: چه کسی بزرگترین حق را بر فرد دارد فرمود: «پدر و مادرش»^۱. در چند سوره از قرآن کریم هم خداوند بعد از مسأله توحید، بر اهمیت حقوق پدر و مادر تأکید کرده است^۲. همچنین امام زین‌العابدین (علیه السلام) توصیه زیادی نسبت به افرادی که در محیط خانواده هستند (فرزندان، همسر و برادر)، دارند.

فرهنگ‌سازی اجتماعی در بعد همسایه‌مداری

اما حق دیگری که حضرت (علیه السلام) به آن اشاره دارند، حق همسایگان است. پیشوای چهارم شیعیان در مورد حقوق همسایگان می‌فرماید:

«و اما حق همسایه این است که در غیاب او نگهبانش باشی و در حضورش او را گرمی داشته و یاور و کمک‌کار او در هر حال باشی و در صدد یافتن اسرار او مباشی و از بدی او کاوش نکنی که بفهمی، و اگر بدی از او فهمیدی بدون عمد و قصد و بدون زحمت برای آنچه فهمیدی همچون قلعه محکمی باش...»

اسلام احترام و اهمیت فوق‌العاده‌ای برای مسائل عاطفی و تعاون اسلامی قائل شده است در حالی که در زندگی ماشینی عواطف روز به روز تحلیل می‌رود و جای خود را به سنگدلی می‌دهد. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«خوشرفتاری با همسایگان شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند»^۳.

۱. من لایحضره الفقیه، انتشارات اسلامی، ج ۳؛ ص ۴۳۸

۲. بقره: ۸۳؛ نساء: ۳۶؛ انعام: ۵۱.

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۶۶.

پیامبر اکرم نیز می‌فرماید:

«دو گروه‌اند که روز قیامت خداوند به آنها نمی‌نگرد: گروه اول کسانی که قطع رحم می‌کنند و گروه دوم کسانی که موجبات اذیت و آزار همسایه را فراهم می‌کنند(همسایه بد)»^۱.

رعایت حق همسایه، علاوه بر تأمین آسایش او، آرامش فکر و روان و راحتی جسمی برای خود مراعات‌کننده نیز در بردارد. هر گونه عمل ناراحت‌کننده‌ای که همسایه را رنج دهد اثر وضعی و حتمی‌اش عکس‌العمل آزار دهنده‌ای از جانب او خواهد بود. بخاطر اهمیت این موضوع است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در بستر شهادت در ضمن وصایای خود، سفارش به نیکی و احسان در مورد همسایگان دارند.^۲

روابط بین انسان‌ها و به ویژه همسایگان باید رابطه‌ای خالصانه و به دور از هر مکر و حيله و نیرنگ باشد. غش، خیانت و سوءاستفاده از اعتماد افراد، منشأ بسیاری از واماندگی‌های معنوی و انحطاط‌های اخلاقی جامعه‌ها است. سقوط جوامع از تخلفات فردی آغاز می‌شود، آنگاه به افراد دیگر سرایت می‌کند و به تدریج همه جامعه را به تخلف از مسیر صحیح انسانی می‌کشاند. لذا امام سجاد(علیه السلام) تأکید زیادی به احقاق حقوق اقشار مختلف جامعه داشتند.^۳

فرهنگ‌سازی اجتماعی در بعد ارتباط با مردم

امام(علیه السلام) در مورد حقوق عمومی جامعه تحت عنوان «حقوق رعیت و مردم» نکاتی را مطرح می‌کنند.

احترام به شخصیت افراد در محیط جامعه از علائم بارز رشد عمومی و یکی از ارکان سعادت و خوشبختی اجتماع است. همچنان‌که بی‌احترامی و هتک حرمت افراد جامعه نشانه انحطاط و عقب‌ماندگی اخلاقی و فرهنگی و مایه سیه‌روزی و بدبختی اجتماع است. جامعه اسلامی با مقررات عادلانه‌اش حقوق مردم و اعضای حکومت را تعیین نموده و به احدی اجازه نمی‌دهد از مرز خود تجاوز کند. قطعاً در چنین جامعه‌ای مردم بدون اضطراب

۱. نهج الفصاحه، ح ۵۵.

۲. کافی، ج ۷، ص ۵۱.

۳. برای مطالعه بیشتر، رک: ترجمه و شرح رساله حقوق، محمد سپهری.



و دور از ذلت زندگی می‌کنند. این موضوع به حدی دارای اهمیت است که خداوند در قرآن، عزت مؤمنین را در ردیف عزت خود و پیامبر(صلی الله علیه و آله) به حساب آورده است.^۱

امام زین العابدین (علیه السلام) می‌فرماید: «حق رعیت این است که بدانی آنها بخاطر ضعف خود و نیرومندی تو رعیت تو گشته‌اند. پس بر تو واجب است که درباره آنان به دادگری عمل کنی و...»

در اسلام تمامی افراد مکلفند حیثیت و عزت خود و دیگران را محترم شمارند و هیچ مسلمانی حق ندارد موجبات پستی و اهانت خود و دیگران را فراهم آورد.

می‌توان گفت همه آنچه که ذکر شد، از نگاه امام سجاد(علیه السلام) برای ایجاد یک اجتماع سالم و به دور از زشتی است؛ چراکه این زشتی‌های اخلاقی، سلامت جامعه را تهدید می‌کند و در سایه این قوانین و حقوق است که یک اعتماد و اطمینان متقابل بین طبقات و اصناف مختلف اجتماعی ایجاد می‌شود تا رسیدن به غرض‌نهایی آفرینش ممکن شود.

نتیجه‌گیری

در یک جمع بندی می‌توان گفت شعاع حرکت فرهنگی امام سجاد(علیه السلام) در راستای اهداف پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ایجاد تمدن عظیم اسلامی به حدی زیاد بود که هیچ یک از خلفای اموی نتوانستند در برابر آن ایستادگی کنند. حضرت سجاد(علیه السلام) در شرایط خفقان دولت اموی با استفاده از تاکتیک‌های ناب و منحصر به فرد، موفق به بیان بسیاری از اصول اصلی تربیتی شدند. آن حضرت(علیه السلام) با این روش، پازل‌های ایجاد یک حرکت عظیم فرهنگی را - برای احیای تمدن اسلامی - در درون افراد جامعه آن روز چیدند. رساله‌حقوق یکی از شاخص‌ترین گفتارهای حضرت(علیه السلام) برای پیشبرد این حرکت عظیم است. حضرت زین العابدین(علیه السلام) در این رساله با بیان نکات کلیدی از جمله شیوه‌های صحیح روابط فردی و خانوادگی و اجتماعی، یا رعایت اصل عبودیت،- که نقش اساسی در ساختار فرهنگی یک تمدن دارد- الگویی کارآمد و خط سیر کاملی در اختیار مردم قرار دادند که نتیجه این زحمات، تربیت شاگردان

۱. منافقون: ۸.



بی شماری در زمینه‌های مختلف شد؛ هر کدام از این شاگردان، علاوه بر اینکه خود جزء زاهدان و عالمان، بودند، عالمان و فاضلان زیادی را بر طبق آموزه‌های امامشان تحویل جامعه دادند و بدین ترتیب هر کدام توفیق انتقال معارف الهی را به نسل‌های بعدی به دست آوردند که نتیجه این حرکت عظیم فرهنگی، زمینه‌ساز مکتب گسترده امام باقر(علیه السلام) و امام صادق(علیه السلام) شد و در قرون بعد و مخصوصاً دوران شکوفایی تمدن اسلامی به صورت بارز نمایان گردید.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن‌هبه الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج‌البلاغه لابن‌ابی‌الحدید، مکتبه‌آیه‌الله المرعشی‌النجفی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، بیروت، دارالفکر.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۹۹۷م، اللسان العرب، طبعه‌ الاولي، بیروت، دار صادر.
۶. اسلامی فرد، زهرا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر معارف.
۷. اصفهانی، ابوالفرج، علی بن الحسین، کتاب الأغانی.
۸. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ش، نهج الفصاحه، انتشارات دنیای دانش.
۹. پیشوایی، مقتل جامع سیدالشهدا (علیه السلام). قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۰. توین بی، آرنولد، بررسی تاریخ تمدن، ترجمه محمد حسین آریان، تهران، امیرکبیر.
۱۱. جان احمدی، ۱۳۹۲، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر معارف.
۱۲. حیدری نراقی، علی محمد، ۱۳۸۵، رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، قم، انتشارات مهدی نراقی.
۱۳. سپهری، محمد، ۱۳۸۰، ترجمه و شرح رساله حقوق امام سجاد، انتشارات دارالعلم.
۱۴. سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده، ۱۳۷۵، تاریخ نگاری در اسلام، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۱۵. سخاوی، شمس‌الدین محمد بن عبد الرحمن، الاعلان بالتویخ لمن ذم التاريخ، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء.
۱۷. شریعتی، علی، تاریخ تمدن، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.
۱۸. شوقی ضیف، الشعر و الغناء فی المدینه و مکة لعصر بنی‌امیه .
۱۹. شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، العصر الاسلامی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، الکافی (ط-الإسلامیه)، دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. محمدی راد، حمید، ۱۳۷۸، صاحبان حق در رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، قم، دارالنشر اسلام.
۲۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر.
۲۴. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر.
۲۵. ممتحن، حسینعلی، تاریخ سیاسی اسلام در عصر امویان.

۲۶. موسوی خمینی(امام)، سید روح الله، صحیفه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۷. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امور خارجه.
۲۸. ویل دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام.
۲۹. همان، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر(بی تا).